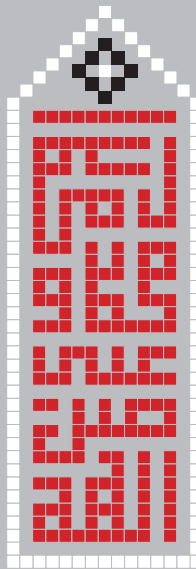


اسماء الوحيين



سرشناسه: پورکیانی، محمد، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور: ایده اداره فرهنگ در ایران/ محمد پورکیانی؛
ویراستار سپیده جواهری؛ [برای] پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۲۲۳ ص.؛ مصور، جدول، نمودار.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳-۵۱۶۱-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۲۰ - ۲۲۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: مدیریت فرهنگی -- ایران
Cultural animation -- Iran
مدیریت فرهنگی -- ایران -- برنامه ریزی
Cultural animation -- Iran -- Planning
سیاست فرهنگی -- ایران -- برنامه ریزی
Cultural policy -- Iran -- Planning
سیاست فرهنگی -- ایران -- آینده نگری
Cultural policy -- Iran -- Forecasting
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. پژوهشکده فرهنگ و
هنر اسلامی
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر
رده بندی کنگره: HM۶۲۱
رده بندی دیویی: ۳۰۶/۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۵۳۶۸۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

ایده‌آداره فرهنگ در ایران

محمد پورکیانی





انتشارات سوره مهر
وایسته به حوزه هنری
www.sooremehr.ir

تهران، خیابان حافظ،
خیابان رشت، شماره ۲۳،
صندوق پستی: ۱۷۸۱۱-۱۵۹۱۸
سامانه پیامک: ۳۰۰۵۲۱۹
تلفن: ۶۱۹۴۲
فکس: ۶۶۴۶۹۵۱
تلفن مرکز پخش: (۵ خط)
۶۶۴۶۰۹۹۲

پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
ایده اداره فرهنگ در ایران
محمد پورکیانی

ویراستار: سپیده جواهری
طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی
صفحه آرا: احمد الهی

چاپ و صحافی: صدف
چاپ نخست: ۱۴۰۲
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۵۱۶۱-۸

نشانی پژوهشکده:
تهران، خیابان سمیه،
حوزه هنری،
پژوهشکده
فرهنگ و هنر اسلامی
کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۳
شماره تماس: ۸۸۸۹۶۳۲
۰۹۱۰۸۱۰۲۴۲۸



با اسکن
رمز سه از
دیگر آسان
پژوهشکده
آگهی
شسبند

کتاب هادر زمین ریشه دارند

طبق تقاضای نامۀ انتشارات سوره مهر و سازمان منابع طبیعی
بخشی از عواید فروش این کتاب به کاشت درخت اختصاص دارد.



فروشگاه مرکزی:
تهران، خیابان سمیه، فرسیده به خیابان حافظ،
جنب حوزه هنری، شماره ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲
فروشگاه انقلاب:
تهران، میدان انقلاب، جنب سینما بهمن، شماره ۱۰۲۳
تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹
فروشگاه اصفهان:
میدان انقلاب، سینما ساحل، کد پستی ۸۱۳۳۶۱۴۵۱
تلفن: ۰۳۱-۲۲۲۴۷۷۲۵-۶

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.
این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.



«معاونت راهبردی»



پژوهشکده شهید صدر



فهرست مطالب



- ۶ پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
۹ مقدمه نویسنده



۱۵ فصل نخست؛ سیر تاریخی مدیریت فرهنگی در ایران معاصر

- ۱۷ نظم جهان سنتی
۲۰ از نظم سنتی و مردمی تا اداره مدرن و دولتی
۲۲ دولت مدرن و تصدی فرهنگی
۲۵ اداره فرهنگ در دوران قاجار
۲۷ اداره فرهنگ در دوره پهلوی اول
۳۰ اداره فرهنگ در دوره پهلوی دوم
۴۱ سیاست‌گذاری فرهنگی پس از انقلاب ایران
۶۷ جمع‌بندی



۷۷ فصل دوم؛ تأمل نظری بر «مدیریت صوری فرهنگ»

- ۷۸ ۱. نقد رویکرد «بخشی» به فرهنگ
۹۳ ۲. نقد «سازمان» به عنوان محور اداره فرهنگ



۱۱۵ فصل سوم؛ هدف فعالیت فرهنگی: رشد وجودی انسان

- ۱۱۷ رشد انسان در رویکرد وجودی
۱۲۴ رویکرد وجودی: از حصول تا حضور
۱۳۴ فعالیت های وجودی
۱۵۲ مهمترین مصادیق فعالیت های وجودی



۱۵۵ فصل چهارم؛ رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی

- ۱۵۸ نهادهای مردمی
۱۶۱ بهترین صورت نهاد مردمی: پیوند جماعت‌های انقلابی، نهادهای اصیل سنتی و پلتفرم‌های مدرن
۱۶۳ راهبرد اصلی فرهنگ: تقویت و توسعه نهادها با ایده مردمی‌سازی
۱۶۶ سیاست‌گذاری فرهنگی: بسترسازی، تنظیم‌گری، تصدی‌گری
۱۸۴ اصلاحات ساختاری اداره فرهنگ



۲۰۹ جمع‌بندی

- الف. مبانی ۲۱۰
ب. تجربه ایران ۲۱۴
ج. سیاست فرهنگی ۲۱۶



۲۱۹ منابع و مآخذ



پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



رهبر انقلاب اسلامی در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم، درباره مدیریت فرهنگی در ایران فرمودند: «به گمان بنده، ساختار فرهنگی کشور نیاز به یک بازسازی انقلابی دارد. ما مشکل داریم در ساختار فرهنگی کشور و یک حرکت انقلابی لازم است. البته «حرکت انقلابی» یعنی خردمندانه و عاقلانه. معنای «انقلابی بودن» بی‌هوا حرکت کردن و بی‌حساب حرکت کردن نیست».

اصلاح مدیریت فرهنگ در ایران سال‌ها مسئله پژوهشگران این عرصه بوده است؛ ولی غلبه برخی رویه‌های پژوهشی امکان پرداختن جدی به این مسئله را گرفته است. پژوهشگران حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی عموماً به صورت جزئی به مسائل و مشکلات میدانی این حوزه پرداخته و از سطح کلان و نظری آن دوری می‌گزینند. مطالعات نظری سیاست‌گذاری فرهنگی نیز عموماً در چهارچوب گفتمان‌های ترجمه‌ای و رایج تعریف شده و از سنت مطالعات فرهنگی یا جامعه‌شناسی ارتزاق می‌کنند. در این میان مجموعه‌هایی تلاش داشته‌اند تا با تکیه بر سنت حکمی ایرانی و اسلامی، تولید نظریه

در سیاست‌گذاری فرهنگی داشته باشند. این تلاش‌ها بر مطالعات مفهومی و بنیادین تکیه کرده و مثلاً با بررسی مفهوم فرهنگ یا سیاست یا با تکیه بر فلسفه و فقه به تولید نظریه پرداخته‌اند؛ بنابراین دو سنت رایج علمی در ایران، «مسئله‌محوری» و «مبناگرایی» بوده که برای عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی ضروری بوده‌اند، ولی برای درک وضعیت ایران کفایت نمی‌کنند. راه مکمل و سوم، توجه به سنت عملی مدیریت فرهنگی در ایران می‌باشد. ایرانیان در سده‌های گذشته تحت عوامل گوناگون اعتقادی و سیاسی و فرهنگی، رویه‌هایی برای پرورش معانی فرهنگی ایجاد و استمرار داده‌اند. مطالعه تاریخی این رویه‌ها اول اینکه در سطح مدیریت جزئی مسائل نبوده و دوم اینکه در سطح کلی، انتزاعی و مفهومی نیز نیست، بلکه با روایت تاریخی مدیریت فرهنگ به درک انضمامی و مفید پژوهشگران و مدیران کمک می‌کند. در این میان سرگذشت سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران معاصر از اهمیت فراوانی برخوردار است، چراکه مدیریت فرهنگی اساساً یک دانش مبتنی بر زمینه‌های بومی است که هم مسئله و هم ظرفیت‌ها و راهبردهای خود را از

وضعیت تاریخی خود می‌گیرد. بر همین اساس امر سیاست‌گذاری به شکل مرسوم آن، امر مدرن و وارداتی در ایران بوده و ظرفیت‌ها و معایب سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران ارتباط جدی با نحوه ورود و پذیرش این امر در دولت‌های ایران دارد. حتی جریان‌هایی که این پذیرش را نداشته‌اند در مخالفت و تقابل با این امر مدرن هویت یافته و معنا شده‌اند.

پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی با توجه به خلأ مطالعات تاریخی و انضمامی در سیاست‌گذاری فرهنگی، مجموعه‌ای از پژوهش‌ها را در دستور کار خود قرار داده است. ایده اداره فرهنگ در ایران معاصر از جمله این پژوهش‌هاست. بحث از «ایده اداره» با سخنان کلان بنیادین تفاوت دارد. چراکه ایده پیش از آنکه ناظر بر حقیقت مطلق و پیشینی باشد ناظر بر حقیقت «مؤثر» در تاریخ ایران است. از این رو با توجه تاریخی به سیاست‌گذاری ایران، به آن امر محوری و قدرتمندی اشاره دارد که در میدان فرهنگ محقق شده است. از نظر پژوهشکده مهم‌ترین راهبرد برای اصلاح ساختار اداره فرهنگ، درک موقعیت کنونی سیاست‌گذاری فرهنگی از طریق بررسی تاریخی آن می‌باشد. سنگ بنای وضعیت کنونی سیاست‌گذاری در تاریخ معاصر آن نهفته است که با کشف نقاط اساسی و تعیین‌کننده در این تاریخ، امکان اصلاحات اساسی فراهم می‌شود.

کتاب «ایده اداره فرهنگ در ایران» مجموعه‌ای از تحقیقات و تأملات جناب آقای دکتر محمد پورکیانی است که در سه بخش تاریخی، مبنایی و مدیریتی به نقد و اصلاح ساختار اداره فرهنگ در ایران می‌پردازد. لازم به ذکر است کتاب حاضر با حمایت معاونت راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی تألیف شده و با سفارش پژوهشی این معاونت در دستور کار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی قرار گرفته است. ضمن تشکر و سپاس از مؤلف محترم، از حمایت معاونت راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی قدردانی می‌شود.



مقدمه نویسنده



متفکران و منتقدان فرهنگی عموماً از مفاهیم نظری مانند آزادی، عدالت، تنوع، عبودیت، هم‌بستگی و... استفاده کرده و آرمان فرهنگی ایران را ترسیم و وضع موجود را نقد می‌کنند. منتقدان فرهنگی تصویر مطلوب فرهنگی خود را فریاد می‌زنند، ولی کمتر به شرایط و سازوکارهای تحقق آن توجه می‌کنند. این نقدها نهایتاً مقصد حرکت فرهنگی ایران را نشانه می‌گیرند، بدون آنکه به ساختار فرهنگی کشور که همچون یک وسیله‌کُند، معیوب و پرهزینه حرکت می‌کند توجه می‌کنند. ویژگی ساختار معیوب در این است که برای یک اثر کوچک، صد هزینه سنگین ایجاد کرده و نیروی فرهنگی پزانگیزه و آماده را به نیروی خسته و فرسوده تبدیل می‌کند.

وقتی از عدالت، آزادی، تنوع، خلاقیت یا هر مفهوم کلان فرهنگی سخن می‌گوییم باید به این سؤال نیز پاسخ دهیم که چگونه می‌توان شرایط تحقق این آرمان‌ها را فراهم کرد؟ گذر از تصدی دولتی به مردمی‌سازی با چه سازوکاری ممکن است؟ سازمان‌های دولتی یا نهادهای مردمی؟ نهادهای مردمی با چه ابزاری شکوفا شده و در میدان فرهنگ حاضر می‌شوند؟ چگونه می‌توان تنظیم‌گری، تسهیل‌گری یا هر سازوکار مناسب دیگر را برای شکوفایی فرهنگ استفاده کرد؟ اصلاحات در ساختار، بودجه‌ریزی، طراحی برنامه، اجرا و سنجش فرهنگی چگونه محقق خواهد شد؟ و سؤالات گوناگون دیگر که سازوکار تحقق اهداف را محل بحث قرار می‌دهد. الگوی «اداره فرهنگ» از نظریه‌های کلان الهام می‌گیرد ولی در آن متوقف نشده و امتداد عینی و ساختاری فرهنگ را تعیین می‌کند.

شاید مهم‌ترین دلیل غلبه نقدهای نظری و ایدئولوژیک بر نقدهای ساختاری و مدیریتی، غلبه سنت نظری بر عقلانیت عملی باشد. سنت نظری ما عموماً به اثبات حقیقت می‌پردازد تا به چگونگی تحقق حقیقت. جهان‌آروزها و آرمان‌هایش را تصور می‌کند و ترجیح می‌دهد به فرایند تحقق آرزوها کمتر بیندیشد. این سنت می‌تواند درباره ویژگی‌های فرهنگی مطلوب سخن بگوید و مفاهیم و بلکه نظریه‌ها را تقلید و یا تولید کند، ولی به سازوکار انجام این نظریه‌ها در دولت توجه نمی‌کند.

در این میان، اندیشمندان علم سیاست‌گذاری و مدیریت درباره اداره امور فرهنگی بحث کرده‌اند، ولی این مباحث بیش از آنکه به شناخت وضعیت تاریخی و اجتماعی ایران پرداخته و راهی پیش پای مدیران فرهنگی بگذارد، به جایابی مدیریت فرهنگی ایران در چهارچوب‌های نظری رایج می‌پردازد. بر این اساس مدیریت فرهنگی ایران را میان گفتمان‌های رایج مدیریت دولتی، بازاری، ارتباطی و پست‌مدرن تقسیم کرده و مفاهیم از پیش

تعیین شده مدیریتی مانند رسمیت، پیچیدگی، تمرکز و... را درباره مدیریت فرهنگی ایران بررسی کرده‌اند.

آنچه کمتر در دستور کار این پژوهشگران قرار می‌گیرد توجه به ایده تاریخی و حاکم در مدیریت فرهنگی ایران بوده که ما را از فهم کلی، نظری و متصلب به فهم جزئی، تاریخی و انضمامی برساند. آیا می‌توان بدون فهم سرنوشت دولت و سیاست و فرهنگ در ایران، برای اداره فرهنگ تولید نظریه کرد؟ بعضاً نظریه‌ها چنان کلی و دائمی قلمداد می‌شوند که یکبار برای همیشه خلق شده و در موقعیت‌های گوناگون مصرف می‌شوند؛ چه این نظریه از غرب خریداری و انتخاب شده باشد و چه در سنت حکمی و دینی ما تجویز شده باشد. در حالی که تجویزهای نظری وابسته به توصیفات ما از وضعیت‌اند و توصیف ما وابسته به درک تاریخی و ریشه‌ای از اموری است که ما را در بر گرفته‌اند. نظریه‌های کلان نیز در مواجهه با وضعیت تاریخی بُرش خورده و بازطراحی می‌شوند. چراکه این نظریه‌ها به تفسیر درباره وضعیت کنونی پرداخته و آن را قضاوت می‌کنند؛ و اگر وضعیت کنونی شناخته نشود نظریه‌های کلان از سطح مفاهیم و کلیات خارج نمی‌شوند. درک پدیده بوروکراسی و در مقابل مردم‌سالاری با عینک نظری و دینی صورت می‌گیرد، ولی تا این پدیده‌ها را روبه‌روی خود قرار نداده و نبینیم، کارآمدی چهارچوب‌های کلان آشکار نمی‌شود؛ بنابراین برای درک اداره فرهنگ در ایران باید به ریشه‌های تاریخی و سیر تطور آن در ایران توجه کرد.

میان اداره بوروکراتیک فرهنگ در ایران کنونی با نگاه روشنفکران در دوران قاجار نسبتی وجود دارد که جز از طریق بررسی تاریخی آشکار نمی‌شود. حدود صدوپنجاه سال پیش، میان روشنفکران و شاهان ایران اتفاق نظری بود که ایرانیان عقب مانده‌اند و نیاز به تربیت و رشد دارند. «مملکت ما قرن‌ها از دنیای متمدن عقب مانده است و به‌گمان ما دولت و اشخاص روشنفکر باید

هادی ملت شده و با سرعتی که به زمین نخورد، او را به جلو ببرند.^۱ این تلقی از پیشرفت غربیان و عقب ماندگی ایرانیان، سنگ بنای مجموعه‌ای از تغییرات تدریجی در ساختار اداره کشور بوده است. در سطح سخت و نظامی در شهر «نظمیه» و در مقابل دشمن «نظام» ایجاد می‌شود. در رفع دعاوی «عدلیه» و در اداره شهر «بلدیه» ایجاد می‌شود. برای دولت وزارتخانه و اداره ایجاد شده و اداره امور نظم نوینی پیدا می‌کند. با وجود این زندگی ایرانیان سامان نمی‌یابد. پاسخ روشنفکران به این نابسامانی نه نقص در ساختارهای جدید وارداتی بلکه ضعف در فرهنگ ایرانیان بود. از همین رو پای دولت و ساختارهای جدید علمی و فرهنگی به زندگی ایرانیان باز می‌شود تا عقب ماندگی ما ایرانیان جبران شده و با زندگی جدید متناسب شود. «حالات روحی ملت ما بقسمی امروز بی ربط و اساس است که همه دگر لزوم تغییر آن را حس نموده‌ایم. هر با فکری می‌داند این ملت برای زندگی عصر حاضر تربیت نشده، تازه باید تربیتش کرد.»^۲

از آن زمان تاکنون مأموریت دولت و سازمان‌هایش برای اصلاح فرهنگ به رسمیت شناخته شده و در مقابل رویه‌های سنتی و بومی قرار گرفته است. دانشگاه، مدرسه، کتابخانه، روزنامه، تئاتر، سینما و... ایجاد شده و در خدمت دولت برای فرهیخته‌کردن جامعه ایران قرار گرفت. این ایده گاهی آرام و پنهان جلو آمده و گاهی نیز مانند دوران رضاشاه سریع و صریح پیاده شده و نظم زندگی ایرانیان را دگرگون کرده است. سال‌ها گذشته است و امروز مدام از جایگاه ملت ایران و تکیه بر توان آن‌ها در فعالیت فرهنگی و اجتماعی

۱. نعمت‌الله فاضلی و هادی سلیمانی قوه‌گل، نقش روشنفکران اواخر دوره قاجار در شکل‌گیری نخستین دولت مدرن در ایران، شماره ۲ جامعه‌شناسی تاریخی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۲۴.
۲. همان، ص ۱۶.

می‌شنویم: «این مجموعه‌های خودجوش مردمی که کار فرهنگی می‌کنند، که الان در سرتاسر کشور هزاران مجموعه خودجوش مردمی هست که دارند خودشان کار می‌کنند، خودشان فکر می‌کنند، خودشان تلاش می‌کنند و کار فرهنگی می‌کنند، روزبه‌روز باید توسعه پیدا کنند؛ دستگاه‌های دولتی باید به این‌ها کمک کنند. دستگاه‌های دولتی، آن‌هایی که مربوط به فرهنگ‌اند». آیا این سخنان رهبر انقلاب حکایت از ایده متفاوتی در مدیریت فرهنگ دارد؟ چه سیری از اداره دولتی تا مردمی پیموده شده است و هر کدام نشان از چه بنیان و ملزوماتی دارند؟ سرنوشت اداره دولتی و بوروکراتیک فرهنگ در ایران چه بوده است؟ سرنوشت جریان‌های بدیل در میدان فرهنگی ایران به کجا رسیده است؟ چه نسبتی میان توفیقات و شکست‌های مدیریت فرهنگی ایران با این ایده‌ها وجود دارد؟

برای پاسخ به این سؤالات نیازمند روایت تاریخ ایران هستیم. آنچه مسلم است ارتباط وضعیت کنونی ما با تاریخ معاصر ایران است. وضعیت کنونی دولت و سیاست‌گذاری در ایران وضعیت همیشگی تاریخ ایران نبوده است و نقاط آغازی در تاریخ معاصر ما دارد. اینکه دولت در ایران قدرت یافته و سازمان‌دهی جدیدی می‌یابد ریشه در تاریخ دارد. حتی مفهوم فرهنگ و هنر نیز معنای جدیدی دارد که در سنت ما پیدا نمی‌شود و ابداع ایران مدرن است.

با توجه به توضیحات گفته‌شده، نخستین ویژگی تحقیق حاضر توجه به «اداره» فرهنگ به جای بیان اهداف و آرمان‌های فرهنگی است و دومین ویژگی بیان روایت تاریخی اداره فرهنگ و استفاده از مبانی نظری در نسبت با آن می‌باشد. اگر نظریه‌های بنیادین و کلان در زمین تاریخی ایران فرود نیایند تبدیل به ایدئولوژی‌های آرمانی و دور از دسترس خواهند شد که به پیشروی مدیریت فرهنگی در ایران کمک چندانی نمی‌کنند.

بر این اساس در پژوهش حاضر اول اینکه روایت مختصری از اداره فرهنگ در ایران معاصر داشته‌ایم و تقابل جریان‌های اصلی این عرصه را بیان کرده‌ایم. در این روایت نشان می‌دهیم که مسئله اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی تکنیک‌ها و مهارت‌های مدیریتی و اجرایی نمی‌باشد، بلکه مسئله اصلی این است که کدام جریان با کدام منطق، نیروی اصلی و تعیین‌کننده سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی بوده است. در این بخش از جریان اصلی و ناکارآمد سیاست‌گذاری فرهنگی با عنوان «مدیریت صوری» یاد شده است. این درک تاریخی به ما امکان استفاده از مبانی نظری را می‌دهد؛ لذا در بخش بعد با استفاده از مبانی نظری به نقد ایده اداره صوری و بوروکراتیک فرهنگ پرداخته‌ایم و ناکارآمدی و عدم تناسب آن با وضعیت ایران را توضیح داده‌ایم. ضمن اینکه با تکیه بر همین مبانی تا حدودی به ایده جایگزین نیز اشاره شده و طرح اولیه‌ای با عنوان «رشد وجودی» ارائه شده است. نهایتاً با اتکا بر مطالعات تاریخی و مباحث بنیادین، سازوکار مدیریت فرهنگی در ایران پیشنهاد شده است.

مهم‌ترین ویژگی این سازوکار اتکا بر نهادهای مردمی و ساختارهای اجتماعی به جای سازمان‌های بوروکراتیک فرهنگی است. به‌رغم محتوای نوین این کتاب، برای خواننده روشن خواهد شد که مباحث به‌صورت اولیه طرح شده و به‌تفصیل درنیامده است. چراکه هدف اصلی کتاب طرح مسیر جدید در مباحث سیاست‌گذاری فرهنگی ایران بوده و امیدوار به توسعه این مباحث در پژوهش‌های دیگر می‌باشیم. مباحث کتاب در سه بخش تاریخی، نظری و مدیریتی آورده شده که اگرچه نسبتی با هم دارند ولی به‌صورت مباحث مستقل نیز قابل مطالعه می‌باشند



فصل نخست
سیرتاریخی مدیریت فرهنگی در ایران معاصر



اداره فرهنگ در ایران به دو صورت قابل تحلیل است: در روش رایج، چارچوب نظری تحلیل در سایر علوم مانند مدیریت و فلسفه تعیین، و اداره فرهنگ در نسبت با این چارچوب‌ها تحلیل می‌شود؛ برای مثال بر اساس دوگانه‌های علم مدیریت در ساختار سازمان مانند رسمیت-عدم رسمیت، تمرکز-عدم تمرکز، سادگی-پیچیدگی و... سازمان‌های فرهنگی ایران تحلیل می‌شوند. راه دوم بررسی و تحلیل بی‌واسطه آن است. بدین صورت که با بررسی تاریخی اداره فرهنگ، سیر شکل‌گیری و تطورات این حوزه روشن، و ایده محوری آن کشف می‌شود. طبیعتاً در تحلیل تاریخی دانش سیاست‌گذاری تأثیرگذار است، ولی تلاش پژوهشگر این است که از چارچوب‌های رایج فاصله بگیرد و بر اساس داده‌های تاریخی مفهوم‌سازی کند. براین اساس در نوشتار حاضر ابتدا با بررسی تاریخی، ایده محوری اداره فرهنگ در ایران معاصر بیان می‌شود. در بخش دوم تحلیل انتقادی این ایده صورت می‌گیرد و در نهایت پیشنهادهایی برای اصلاح این ایده بیان می‌شود.^۱

۱. شایان ذکر است نوشتار حاضر پژوهشی تاریخی با بیان تفصیلی جزئیات نیست و در فصل اول برای آشنایی مخاطب با سیر تطور مدیریت فرهنگی ایران، یک گزارش تاریخی اجمالی ارائه می‌شود.